

PDF VERSION BY



Parstech

2006

www.parstech.org

پیشگفتار

در طول تاریخ اعتقاد و عقیده به مهدویت و ارادت خالصانه به محضر مقدس ائمه هدی و بالآخر حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بوده است که شیعه را حفظ نموده و با وجود همه حملات و لطمات شیعه همچون نخل سرفرازی با قامت راستین در میان همه فرق اسلامی بر سر پای مانده است. و این هم به اعتبار اخلاص و رزیدن شیعه به آستان مقدس ائمه علیهم السلام و بالآخر وجود مسعود حضرت حجت الله علیه السلام بوده و هم بخاطر عنایت‌های خاصه آن بزرگوار که همچون پدری بزرگوار و مهربان و دلسوز از شروع غیبت صغری تا هم‌اکنون سایه خویش را بر سر شیعه گسترده‌اند.

برای آنکه این عنایت استمرار یافته و روز بروز افزون‌تر گردد، شیعه باید نسبت به مقام امامت و بالآخر امام عصر علیه السلام شناختی بیشتر یابد و ضمن این شناخت و بصیرت نسبت به نقش امام در هستی، وظائف خویشان را در قبال حجت و ولی زنده خدا بهتر بشناسد و به انجام آن قیام نماید.

این مجموعه مختصر به همین هدف نگارش یافته و در نگارش آن از سخنان عالمان ربانی و دانشمندان غیر روحانی و روحانی و نیز کتب گوناگون بسیار بهره‌مند گردیده‌ام.

در نگارش این سطور سرکار خانم مصطفوی کمکهای سرشاری به نگارنده نموده‌اند که از خدای سبحان مزید توفیقات این خواهر ارجمند را خواهان و خواستارم.

ضمناً از خوانندگان ارجمند تقاضا دارم تا با نظر انتقاد به این وجیزه بنگرند و با ارسال نظرات و انتقاداتشان به ناشر محترم اینجانب را در جهت تصحیح و کامل کردن مندرجات کتاب یاری دهند.

لازم است در اینجا از تلاشها و زحمات و پیگیری‌ها و نیز سرعت عمل برادر ارجمند جناب آقای حاج حسین شهری، ناشر محترم سپاسگزاری نمایم و بخاطر انتشار اینگونه آثار از درگاه حضرت احدیت برایشان عزت و سربلندی و عاقبت بخیری را طالب و آرزومند باشم.

مناسب دانستم که پایان بخش این مقدمه را اشعاری از شاعر فقید و دوست گرانمایه مرحوم حاج محمدجواد قائمی همدانی قرار دهم.

ای جان فدای آنکه او پیدای ناپیداستی

بر گرد کویش هر ولی سرگشته و شیداستی

دریای مهرش بی‌کران، امواج لطفش بی‌امان

دریا و رویش دیدگان بر آب چون دریاستی

محبوب ذات کبریا، فرزند پاک مصطفی
 نور دو چشم مرتضی، دلدادۀ زهرآستی
 غایب اگر شد از نظر دایم کجا دارد مقرّ
 جایش درون جان ما، در گوشۀ دلهاستی
 نور امام منتظر، باشد ز هر سو جلوه گر
 هر کس نبیند روی او بینای نابیناستی
 خلقی همه مهمان او، بر سفرۀ احسان او
 از پرتو انوار او، افلاک پابرجاستی
 دنیای روح افزای ما، وین عالم زیبای ما
 از غیبت دیدار او، زیبای نازیباستی
 ای دلبر دلدادگان وی حامی افتادگان
 بازآ که پهنای جهان، جولانگه اعداستی
 دل در هوای کوی او، پر می‌گشاید سوی او
 از سوختن، پروانه را، کی وحشت و پرواستی
 تا بینم آن بدر دُجی، روی آورم یارب کجا
 آیا به رضوی جای او یا وادی سیناستی
 از شدت آه و فغان، شد تیره روی آسمان
 هر لحظه‌ای از زندگی، اینک شب یلداستی
 جانها فدای قائمی، کو گر نتابد رو، دمی
 در هر دو عالم قائمی، بیچاره و رسواستی

شناخت نقش امام در هستی

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ
وَ عَلَى آبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا
وَ حَافِظًا وَ قَاعِدًا وَ نَاصِرًا وَ ذَلِيلًا وَ عَيْنًا حَتَّى
تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

برای آنکه وظائف خویش را در قبال حضرت بقیة الله علیه السلام بهتر بشناسیم و نسبت به انجام آنها خود را موظف بدانیم لازم است در ابتدا نقش امام را در هستی بدانیم و حکمت وجود حجت خدا در آفرینش را تا حد ممکن به میزان بینش و درکمان دریابیم. آنگاه بهتر توجه خواهیم نمود که در برابر امام زنده و حجت بر حق حضرت ذوالجلال چه مأموریت‌ها بر عهده‌مان محوّل گردیده است، و چگونه باید از عهده ایفای آنها برآییم.

در کتاب ینابیع المودة شیخ سلیمان حنفی قندوزی در صفحات ۴۴۲ و ۴۴۴ در بابی تحت عنوان «اوصیاء پیامبر دوازده نفرند»،

براساس وجود خورشید است و اگر قرار باشد که خورشید نباشد منظومه شمسی موجود نخواهد بود. به بیان دیگر موجودیت و حیات منظومه وابسته به حیات خورشید است. حال با این خاصیت وجودی آیا تفاوتی می‌کند که خورشید در آسمان بدرخشد و یا آنکه پرده‌های ابر چهره این کره مذاب و فروزنده را بگیرند؟ و سیمای خورشید از انظار پنهان باشد؟ قطعاً پاسخ این است که خورشید چه آشکار باشد و چه پنهان دارای این خاصیت است که زندگانی و موجودیت منظومه شمسی وابسته به حیات و وجود خورشید است و ابری بودن آسمان و یا غیر ابری بودن آن از این خاصیت هیچ تغییری را نمی‌تواند ایجاد نماید و خورشید در هر حال خورشید و محور منظومه شمسی است. در اینجا لطافت و ظرافت کلام رسول خدا ﷺ روشن می‌شود که امام غائب را به خورشید پس پرده ابر تشبیه فرموده است. یعنی همانگونه که خورشید مایه حیات منظومه شمسی است ولو در پس پرده ابر باشد، به همین ترتیب امام نیز وسیله هستی و برقرار ماندن نظام کائنات است با آنکه غائب و پنهان باشد و دیدگان از دیدنش محروم باشند. به عبارت دیگر بودن امام در پس پرده غیبت برابر با نبودن امام نیست، چه نبودن امام، برابر نبودن هستی است. حال آنکه غائب بودن امام یعنی محرومیت اکثریت قریب به اتفاق مردمان از رویت جمال زیبایی آن بزرگوار.

(۲) در کوهستان‌هایی که آبشار جاری می‌گردد هر قدر ارتفاع آبشار زیادتر باشد طبعاً بر شدت و حدت آب افزوده خواهد گردید، و قدرت تخریبی آن افزایش پیدا خواهد کرد. و اگر قرار باشد که

احادیثی ذکر نموده که بسیار حائز اهمیت است. از جمله آن احادیث حدیثی است از شخص یهودی بنام نعثل که از رسول خدا می پرسد: «آیا شما نیز همانند دیگر پیامبران الهی اوصیائی دارید؟» پیامبر فرمودند: «آری. و اوصیاء من دوازده نفرند به تعداد نقبای بنی اسرائیل.» و سپس حضرتش ائمه را یکایک بر می شمرد و آنان را با اسم و لقب معرفی می فرماید. تا در آخر حدیث سخن از دوازدهمین وصی خویش، که نهمین فرزند حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) هستند به میان آورده و اضافه می فرمایند: «او فرزند بلافصل امام حسن عسکری (علیه السلام) و همنام و هم کنیه من است و کسانی که بر اعتقاد به وی ثابت می مانند قلبشان محکم و ایمانشان قوی است. وی ولادتی پنهانی داشته و مدت مدیدی از چشمان مردم غایب می شود.» پس از این بیانات یهودی سؤال می کند: «مردم از امام غائب چگونه بهره مند و بهره ور شوند؟» رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: «مردم در زمان غیبت او از وی منتفع شوند همانگونه که از خورشید پس پرده ابر بهره مند می شوند.»

دقت در این بیان که به فراوانی در احادیث مربوط به امام عصر (علیه السلام) یافت می شود، نکات مهمی را برای خواننده روشن خواهد نمود.

(۱) همانگونه که می دانیم در منظومه شمسی ما خورشید به عنوان رئیس و محور در مرکز منظومه قرار گرفته و سیارات نه گانه یعنی عطارد - زهره - زمین - زحل - مریخ - مشتری - اورانوس - نپتون و پلوتون با فواصل معین و مشخص گرداگرد آن مشغول گردش اند، و قطعی است که بر قرار ماندن نظام منظومه در گرو و

به یمن وجود مقدس امام علیه السلام است که همه مخلوقات روزی می‌خورند و به برکت وجود آن بزرگوار است که زمین و آسمان بر جای خویش استوارند.

آنچه در این راستا باید گفت آن است که در باب توسلات و استشفاعات، مسأله امام زنده و حی‌الهی فوق تصور می‌یابد. به این معنی که هر نوع توسلی که از سوی بندگان خدا به وساطت اولیاءالله در خانه خدا به عمل آید، این وساطت در نهایت به وسیله حجت زنده و امام عصر صورت خواهد پذیرفت. برای مثال انسان به خاطر مشکلی توسل به ساحت مقدس حضرت صدیقه کبری فاطمه زهراء علیها السلام پیدا می‌کند. در اینجا است که حضرت صدیقه علیها السلام حاجت و مسأله را ارجاع به فرزند برومندش حضرت مهدی علیه السلام می‌نماید و از طریق این بزرگوار عرضه حاجت و نیاز به درگاه الهی انجام خواهد پذیرفت، و در صورتی که با توجه به مصالح مسائل با این وساطت خداوند جلّ و عزّ عنایتی فرماید، این عنایت توسط حضرت زهراء علیها السلام و به دست مبارک حضرت ولیعصر ارواح‌افداء به فرد درخواست کننده و حاجتمند خواهد رسید.

۳) نکته‌ای که می‌توان در آخر اضافه کرد این نکته است که به هنگام قرار گرفتن خورشید در پس پرده ابر، بر اساس مطالعات علمی ثابت شده باز هم مقداری از اشعه جان‌بخش و حیات‌بخش این کره فروزان از وراء پرده‌های ابر عبور کرده و به زمین می‌رسد، و به این ترتیب علاوه بر آنکه وجودش موجب برقرار ماندن حیات در منظومه شمسی می‌گردد این مقدار از اشعه نیز که به زمین می‌رسد خواص فراوان دیگر را در کره زمین باعث می‌گردد، به

آب با همان شدت و حدّت، از ارتفاع در داخل جوی‌های زیر آبشار بریزد، تردیدی وجود نخواهد داشت که همه آنها را ویران خواهد ساخت. به همین جهت معمولاً در محلّ فرود آب از ارتفاع در آبشارها گودال‌هایی ایجاد می‌گردد که این گودال‌ها شدت آب را کنترل می‌کند و قدرت آنرا تعدیل می‌نماید و بعد در درون جوی‌های زیر آبشار، به میزان ظرفیت آنها آب را به جریان خواهد انداخت. پس وجود این گودال‌ها جهت تعدیل شدّت و قدرت آب لازم بوده و وجود آنها حیات جوی‌های آب اطراف آبشار را تضمین خواهد نمود.

با توجه به این مثال می‌توان نقش امام را از نظری دیگر در هستی مورد توجه قرار داد:

تردیدی وجود ندارد که فیوضات از منبع و مصدر فیض یعنی حضرت ذوالجلال به مخلوقات و ممکنات می‌رسد ولی در این مطلب نیز تردیدی نیست که اگر فیوضات حضرت حق یعنی حیات، علم، قدرت، هیمت، سلطنت و ... قرار باشد با همان شدّت و حدّتی که دارند مستقیم به انسان‌ها برسند، تردیدی نیست که کینونت و هستی انسان‌ها را مندک خواهند ساخت. زیرا فیوضات حضرت حق و شدت آنها کجا و ظرفیت و توان انسان‌ها کجا؟! از همین روست که در ایصال فیوضات خداوندی امام واسطه‌ای است که بخاطر وسعت و فُسحت ابعاد وجودی فیوضات را از منبع فیض گرفته و به ممکنات و مخلوقات به میزان استعداد و توانشان عنایت می‌فرماید لذا فرموده‌اند:

يُؤْتِيهِ رُزْقَ الْثَوْرَىٰ وَ بِوُجُودِهِ ثَبَّتَ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ.

روایات چه می‌گویند؟

همه ما از حدیثی بسیار مشهور آگاهی داریم که رسول اکرم ﷺ به نقل شیعه و سنی فرمودند:

مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً.

هر که بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است.

مسلم است که مراد رسول خدا از این حدیث، آن نیست که ما امام زمان خویش را در حد نام و القاب و کنیه‌ها و نام پدر و مادر و تاریخ تولد و محل تولد و غیبت صغری و کبری آن بزرگوار بشناسیم؛ بلکه مطلب از این فراتر می‌رود و شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تری را در این حدیث شریف از ما خواسته‌اند و به نظر می‌رسد که این شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تر را می‌توان در کلام مولای متقیان امیرمؤمنان علی علیه السلام دریافت. آنجا که در نهج البلاغه چنین می‌فرماید:

إِنَّمَا الْأَئِمَّةُ قَوَامُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عُرَفَاءُهُ عَلَى عِبَادِهِ

همین گونه امام نیز علاوه بر آنکه مرکز هستی است، اشعهٔ جان بخش و روح نواز فیوضاتش از پس پرده ابرهای غیبت گذر کرده و کام شیفتگان و تشنگان جمال بی مثالش را شیرین می نماید.

خویش چیست و چه باید بکند. در این ارتباط بیان مثال ساده‌ای مطلب را روشن می‌کند. اگر فرزند ما مدتی برای مثال ۲ ساعت گم شود و از دیدگان ما پنهان گردد چه وضعیتی پیدا می‌کنیم؟ آیا آرام می‌گیریم و یا به هر دری می‌زنیم تا از فرزند گم‌شده خویش اثری بیاییم؟! آیا در این رخ‌داد گرفتار ناآرامی و اضطراب و دل‌شوره نمی‌شویم؟! و برای آرام شدن دل و جان ملتهب خویش به هر اقدام ممکن دست نمی‌یازیم؟!

حال باید پرسید، برای یافتن گم‌شده‌ای که باید عزیزتر از فرزند ما باشد چه باید بکنیم که این فراق به وصال و این هجران به پایان برسد؟ در صفحات آینده به اختصار در این مقوله بحث خواهیم داشت.

از آنجا که بنای این نوشتار بر اختصار است از پرداختن تفصیلی به امور اجتناب می‌گردد، ولی برای آنکه از حقوق عده‌ای که امام علیه السلام بر گردن ما دارند شمه‌ای را متذکر شویم، بسیار مختصر به برخی دیگر از حقوق امام علیه السلام اشارت می‌نماییم:

- (۱) حق وجود و هستی که به آن اشارت نمودیم.
 - (۲) حق بقاء در دنیا که مختصری به آن پرداختیم.
 - (۳) حق قرابت و خویشاوندی امام علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.
- همان‌گونه که در سوره شوری می‌خوانیم:
- قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى.

به صریح آیه، رسول خدا مأموریت می‌یابد که از مردم بخواهد در برابر زحمات طاقت فرسای آن بزرگوار در امر تبلیغ رسالت به نزدیکان آن بزرگوار مهر بورزند.

لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ عَرَفَهُمْ وَ عَرَفُوهُ وَ لَا يَدْخُلُ
النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ أَنْكَرُوهُ.

همانا که ائمه قیام کنندگان خدا بر خلق اویند و وسیله
شناساندن پروردگار به بندگان. کسی داخل بهشت نمی‌تواند
بشود مگر آنکه ائمه را بشناسد و آنان نیز او را بشناسند و
کسی داخل جهنم نمی‌شود مگر آنکه ائمه را انکار نماید و
ائمه نیز او را انکار کنند.

ملاحظه می‌شود که در بیان مولای متقیان شرط ورود در بهشت
شناختن ائمه است و تأیید شدن توسط ائمه، و قبل از آن هم
امام علیه السلام نقش ائمه را در هستی بیان فرمودند که وسیله قوام و بقای
هستی‌اند و بدون آنها هستی نمی‌تواند قوام داشته باشد.

حدیث دوم در این راستا، حدیثی است که شیخ بزرگوار
صدوق علیه السلام و نیز شیخ جلیل‌القدر مفید علیه السلام در امالی خویش از رسول
اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند که حضرتش فرمودند:

لَمْ يُؤْمِنْ بِي مَنْ لَمْ يُحِبَّنِي وَ ذُرِّيَّتِي أَكْثَرَ مِنْ مَحَبَّتِهِ
لِنَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ.

یعنی به من ایمان کامل نیاورده آن کسی که من و فرزندان مرا
از خود و فرزندانیش بیشتر دوست نداشته باشد.

در اینکه از زمان رحلت حضرت عسکری علیه السلام تاکنون فرزند
قطعی و صحیح‌النسب رسول اکرم صلی الله علیه و آله، وجود مقدس حضرت
بقیة الله ارواح‌فداء می‌باشند تردیدی وجود ندارد و به این ترتیب
شیعه باید آن حضرت را از فرزند خویش بیشتر دوست داشته باشد.
با این توضیحات روشن می‌شود که تکلیف شیعه در قبال امام

اطمینان یابید که کار نیک آن شخص را جبران نموده‌اید.»
بدون تردید این هر دو حق برای مولای ما حضرت صاحب الامر علیه السلام وجود دارد، زیرا که تمام بهره‌ها و فایده‌هایی که به مردم می‌رسد به برکت وجود مقدس امام عصر علیه السلام است و آن چنان که در زیارت جامعه می‌خوانیم و اولیاء النعم.

امام سجاد علیه السلام به ابو حمزه ثمالی فرمودند: «ای ابو حمزه پیش از طلوع آفتاب ن خواب که آن را خوش نمی‌دارم به تحقیق که خداوند در آن وقت روزی‌های بندگان را تقسیم می‌کند و بر دست ما آنها را جاری می‌سازد.»

(۵) حق پدر بر فرزند

در روایات اسلامی آمده است که ائمه فرمودند: «شیعیان از باقی‌مانده گل ما خلق شده‌اند.» یعنی همان‌گونه که فرزند از پدر بوجود می‌آید، از این دیدگاه ائمه نیز به مثابه پدران شیعیان محسوب می‌گردند. چنان‌که در کافی از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که فرمودند:

الإمام الأنیس الرقیق و الوالد الشقیق.

امام مونس است پرمذرا و پدری است مهربان.

و نیز رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ.

من و علی دو پدر این امت هستیم.

بنابراین همان‌گونه که باید پدر صلیبی را احترام کرد و حرمت او را پاس داشت، باید که به مراتب شدیدتر از پدر صلیبی نسبت به امام ادای احترام کرد و حقوق آن بزرگوار را پاس داشت.

امام باقر (علیه السلام) در ذیل آیه می‌فرمایند که مُراد از «قُربی» امامان می‌باشند.

امروز مسلم است که امام زنده از نسل پیامبر که مصداق قطعی «قُربی» در آیه می‌باشند، وجود اقدس و مسعود حضرت حجت‌بن‌الحسن (علیه السلام) می‌باشند، لذا براساس مدلول آیه، باید که هر مسلمان این حق قرابت را پاس دارد و در ادای آن بکوشد. در حدیث دیگری این حق به‌صورتی پس روشن بیان شده است. این حدیث از رسول اکرم چنین نقل شده است:

أَنَا شَافِعٌ يَوْمَ الْقِيَمَةِ لِأَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ ... رَجُلٌ نَصَرَ
 ذُرِّيَّتِي وَ رَجُلٌ بَذَلَ مَالَهُ لَذُرِّيَّتِي عِنْدَ الضَّيْقِ وَ رَجُلٌ
 أَحَبَّ ذُرِّيَّتِي بِاللسَانِ وَ الْقَلْبِ وَ رَجُلٌ يَسْعَى فِى
 حَوَائِجِ ذُرِّيَّتِي إِذَا طُرِدُوا أَوْ شُرِدُوا.

یعنی من روز قیامت برای چهار گروه شفاعت می‌کنم گروهی که فرزندان مرا یاری کنند، گروهی که به هنگام گرفتاری مالی فرزندان من به آنان کمک مالی کنند، گروهی که فرزندان مرا به قلب دوست بدارند و به زبان نیز اظهار کنند و مردمی که نیازهای فرزندان مرا به هنگامی که ترک می‌شوند یا تحت تعقیب قرار می‌گیرند تأمین می‌نمایند.^(۱)

(۴) حق منعم بر متنعّم.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هر کس نسبت به شما کار نیکی انجام داد به او پاداش دهید و اگر نمی‌توانید، برای او دعا کنید تا

اطاعتش را واجب نموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي
الْأَمْرِ مِنْكُمْ.

شناخت حقوق امام علیه السلام بر ما شیعیان ایجاب می‌کند که جهت
ادای آنها قیام نماییم و آنچه به عنوان وظیفه در همین ارتباط بر
عهده ما قرار می‌گیرد بدانیم و اجرا کنیم.

صفحات آینده در بر گیرنده این وظایف خواهد بود.

(۶) حق آقا و مولا بر بنده

در زیارت جامعه می‌خوانیم.

وَالسَّادَةُ الْوَلَاةُ.

یعنی ائمه علیهم السلام موالی جلیل القدر و عالی مرتبی هستند.

امروزه مولا و سرور ما وجود نازنین و ذی‌جود حجت‌الله الاعظم روح‌فداء است، و همانگونه که بنده باید در برابر آقای خویش تسلیم محض باشد، باید که مقام عظیم امام را شناخت و در برابر حضرتش مطیع و تسلیم محض بود.

(۷) حق معلّم بر متعلّم

قدر مسلم آنکه امام عصر علیهم السلام امروزه مصداق اتم و اکمل اهل ذکر هستند که در قرآن مقدس آمده است:

فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

آیه دلالت بر آن دارد که هر نوع دانایی و تعلّم باید که از مسیر امام عصر علیهم السلام صورت پذیرد.

روی همین اصل فراگیری معارف دین و مذهب باید که با توسّل به ذیل عنایت آن معلّم الهی انجام پذیرد کما اینکه در قضایای تشرّف به محضر مقدّس حضرت ولیّ عصر علیهم السلام شاهد آموزش‌های آن بزرگوار می‌باشیم.

(۸) حق امام بر رعیت

در روضه کافی از حضرت مولی الموحّدين چنین آمده است: پس مهمترین چیزی که خداوند از جمله حقوق فرض نموده، حق ولی و زمام‌دار بر رعیت است و مؤید این مطلب آیه شریفه قرآن است که حضرتش را به عنوان ولی امر معرفی کرده و

به علاوه در آیه ۱ سوره مبارکه نحل می‌فرماید:

يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ.

فرود می‌آورد فرشتگان را همراه با روح از عالم امر خویش بر هر که از بندگان خویش که بخواهد که مردم را از این مطلب بترسانند که پروردگاری جز من نیست پس تقوا پیشه کنید.

در مجموعه این آیات چنین استنتاج می‌گردد که در شب قدر که شب نزول قرآن نیز بوده است، از آن زمان تا زمان ما و تا پایان جهان، فرشتگان و روح که فرشته بزرگ خداست، بر زمین آمده و نزد بنده‌ای از بندگان خاص خدای تعالی شرف‌یاب می‌گردند و امور را به صورت تفصیلی و جدا شده نزد آن بزرگوار می‌آورند. مطلبی که باید مد نظر قرار گیرد، آن است که به هنگام حیات رسول مکرم، فرشتگان و روح نزد آن حضرت شرف‌یاب می‌شدند. بنابر آیاتی که ذکر شد، نزول فرشتگان و روح بعد از پیامبر نیز همچنان ادامه دارد.

حال این سؤال مطرح است که پس از رحلت رسول خدا فرشتگان و روح نزد چه کسی و یا کسانی شرفیاب می‌شوند؟ در پاسخ به این سؤال به تفسیر برهان جلد چهارم، صفحه ۴۸۳، ذیل آیات مربوط به سوره قدر مراجعه می‌کنیم:

حضرت ابوجعفر امام محمدباقر (عج) فرمودند: «ای شیعیان با دشمنانتان به وسیله سوره قدر محاجه و مخاصمه کنید. سوگند به خدا که این سوره قدر، حجت خداست بر بندگان بعد از پیامبر. با این آیات مباحثه نمایید.» و نیز فرمودند: «ای گروه شیعه با آیات

آیات و احادیث شب قدر برهانی دیگر بر عظمت امام عصر علیه السلام

در قرآن مقدس غیر از سوره مبارکه قدر که تماماً درباره اهمیت و عظمت شب قدر صحبت می‌کند، آیات و سوره دیگری در این ارتباط وجود دارد که از آن جمله آیه‌های مبارک ابتدای سوره حم دخان می‌باشد:

حُم * وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ * اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ اِنَّا
كُنَّا مُنْذِرِيْنَ * فِيْهَا يُفْرَقُ كُلُّ اَمْرٍ حَكِيْمٍ * اَمْرًا مِّنْ
عِنْدِنَا اِنَّا كُنَّا مُرْسِلِيْنَ.

حُم، سوگند به کتاب آشکار (قرآن)؛ ما آن کتاب را در شب
پربرکت فرو فرستادیم، همانا ما بیم دهنده‌ایم؛ در آن کتب که
همه امور حکیم در آن از هم جدا می‌شوند؛ امری که از سوی
ماست. بدرستی که ما فرو فرستندگانیم.

اگر آیه سُوْم همین سوره دخان را به همراه سوره قدر در نظر
بگیریم، متوجه ارتباط آنها با وجود مقدس امام عصر علیه السلام خواهیم
شد، چرا که می‌فرماید در این شب امور جدا و تفصیل داده می‌شوند.

من به معلی گفتم: خدمت امام که شرفیاب شدی درباره شب قدر از ایشان سؤال کن. معلی رفت و بازگشت از او پرسیدم آیا شب قدر را از امام پرسیدی؟ گفت: «آری و آن حضرت آنچه را که پرسیدم و آنچه را که در ضمیر داشتم و نپرسیدم همه را پاسخ دادند و فرمودند: «شب قدر، شبی است که در آن پروردگار مقادیر آن سال را تقدیر فرموده و سپس آن امور را به زمین می‌فرستد.» از حضرت پرسیدم: «نزد چه کسی؟» فرمودند: «نزد آن کسی که می‌بینی»^(۱) و از هر سه امام بزرگوار شیعه یعنی حضرات باقر و صادق و کاظم (علیهم‌السلام) نقل است که فرمودند:

«شب قدر بر ما مخفی نیست زیرا که در آن شب فرشتگان گرداگرد ما می‌گردند»^(۲)

پس بر اساس روایات وارده از ائمه اهل‌البیت (علیهم‌السلام)، در شب قدر امور سال آینده هر شخص تقدیر می‌شود و خدای تعالی توسط فرشتگان و روح آن امور را بر زمین نازل می‌فرماید. اما مطلب چنان نیست که امور تقدیر شده حتمی و قطعی باشد، بلکه خدای متعال به عللی آن امور را ممکن است تغییر دهد. چرا که خود می‌فرماید: «خدای متعال آنچه را بخواهد محو و یا اثبات می‌فرماید و امور در دست خداست.» بر این مطلب، دعایی که در شب قدر دستور داده شده آنرا بخوانیم، دلالت می‌کند:

«پروردگارا اگر در امشب نام من در زمره اشقیاء ثبت گردیده،

نخست سوره حم دخان با دشمنانتان مباحثه و گفتگو کنید، چرا که این آیات مخصوص اولیاء امر پس از پیامبر می‌باشد.»

و نیز در همین کتاب در ذیل سوره مبارکه قدر از حضرت صادق (ع) چنین نقل شده که آن بزرگوار فرمودند: «حضرت امیرالمؤمنین (ع) در حالی که امام حسن و امام حسین (ع) نزد ایشان بودند، سوره قدر را خواندند، که در این هنگام حضرت حسین (ع) عرض کرد: آیا تلاوت آیات این سوره و ذکر آنان که در این سوره آمده‌اند مایه لذت شماست؟ فرمود: آری ای فرزندم و ای فرزند رسول خدا، زمانی که این آیات نازل شد، جذت رسول خدا مرا خواند و آیات سوره را بر من تلاوت فرمود و سپس بر شانه راست من زد و فرمود: ای برادرم و ای وصیم، و ای ولی من بر اتم پس از من، و ای آنکه تا روز قیامت دشمنانم با تو در ستیزند، این سوره پس از من از آن توست و پس از تو از آن دو فرزندت می‌باشد.»^(۱)

در کتاب اصول کافی از حضرت جواد (ع) حدیثی آمده است: «در شب قدر، هر ساله تفسیر امور بر ولی امر نازل می‌گردد، که در آن، در مورد شخص ولی امر دستوراتی وجود دارد و هم در مورد مردمان که چه باید انجام پذیرد.»^(۲)

به این حدیث نیز دقت فرمایید: سعید بن بسار گوید: «نزد معلی بن خنیس بودم که پیکی از سوی امام صادق (ع) نزد او آمد.

۱- تفسیر برهان جلد ۴ ص ۴۸۷.

۲- اصول کافی، کتاب الحجة ص ۳۶۰.

وظایفی چند در قبال امام علیه السلام

وقتی دانستیم که حق امام بر ما عظیم است و آن بزرگوار چنین سمت و صفتی در هستی دارند که اگر نبودند هستی نیست می شود و اگر نباشند هستی از میان برخواهد خاست، لذا باید بر اساس تحقیق و تفحص در متون اصیل و صحیح اسلامی دریابیم که در قبال این حقوق بسیار عظیم، وظائف ما به عنوان یک انسان مسلمان شیعه در قبال حضرت صاحب الامر علیه السلام چیست؟

با تعمق و تفحص در متون اسلامی شیعی و با بهره گیری از نظرات دقیق صاحب نظران که عمری را در مسیر شناخت و شناساندن حضرت ولی عصر ارواحنا فداه گذرانده اند، وظائف یک انسان معتقد به حضرت حجت علیه السلام را می توان به سه دسته تقسیم نمود:

(۱) وظائف قلبی

(۲) وظائف اعضاء و جوارحی

ای خدای مهربان نامم را از زمره اشقیاء بیرون آورده و در
زمره سعداء قرار ده.»

حال ارتباط شب قدر با حضرت ولی عصر ارواحنا فداه روشن
می‌گردد:

۱) فرشتگان شب قدر همراه با روح نژاد حجت زمان در زمین
می‌آیند.

۲) تقدیرات امور هر کس خدمت ولی زمان برده می‌شود.

۳) فرمانروایی زمین که همواره در دست ولی امر است در آن
شب جلوه و جلای دگری خواهد یافت.
و اکنون به این پاسخها اضافه می‌کنیم:

در چنین شبی باید که تلاش فراوان در جهت جلب
رضایت حضرت ولی عصر علیه السلام به عمل آید چرا که یکی
از اموری که باعث می‌گردد مقدرات ما دگرگون گردد و ناممان از
زمره اشقیاء محو و در زمره سعداء ثبت شود، دعای حضرت حجة بن
الحسن علیه السلام است. زیرا که از آن حضرت مستجاب الدعوة تر در
هستی کسی نمی‌باشد، و دعای آن امام همام انشاء الله کافی است که
وضعیت ما از نکبت و هلاکت و شقاوت به عزت و شوکت و
سعادت تغییر یابد.

بوده و محور هستی، اوست و حق حیات بر گردن وی دارد، و پروردگار به خاطر اوست که نعمتهای خویش را بدون کمترین بخل و مضایقه‌ای در اختیار همگان می‌نهد، و به خاطر آن بزرگوار است که با وجود عدم استحقاق انسان‌ها در دریافت نعمت‌های پروردگار، حضرت حق نعم خویش را پی در پی و بدون منت نثار می‌فرماید؛ باعث می‌گردد که علاقه و ارادت به حضرت ولی عصر ارواحافداه آن به آن در دل این شیعه زیادتر شود تا کار بجایی برسد که جز دلداری را نخواهد و جز وصلش آرزویی را در سر نپروراند. آری با آنکه ما شیعیان محبت حضرت صاحب الامر علیه السلام و دیگر ائمه معصومین علیهم السلام را در دل داریم، ولی تشدید و تضعیف آن در دست خود ماست و این مائیم که می‌توانیم ارادت و محبت نسبت به آن بزرگوار را با توجه به اینکه امام تا چه حد به شیعیان نزدیک است و تا چه حد از شیعه رفع گرفتاری می‌کند و تا چه میزان غم شیعه را می‌خورد، همواره در دل خویش تشدید نماییم و دلدادگی و شیفستگی خود را نسبت به حضرتش افزون‌تر سازیم.

البته هم اکنون جای طرح این پرسش است که این افزون شدن محبت ما نسبت به آن بزرگوار به نفع چه کسی است؟ تردیدی نیست که این امر به طور قطع و یقین به نفع ماست و این مائیم که در این میان منتفع می‌شویم. چرا که امام را به محبت ما نیازی نیست، و آن بزرگوار محور وجود است و همه چیز و همه کس به خاطر آن وجود اقدس آفریده شده است. هم چنان که خانه نشین کردن امام علی علیه السلام و یا شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نیز باعث نشد که آن بزرگواران گرفتار زیان و خسران شوند، بلکه در

(۳) وظائف مالی

وظائف قلبی:

(۱) ایجاد و تشدید علاقه به آن بزرگوار:

بحثی مطرح است که آیا محبت و علاقه امری فطری است و غیر ارادی، یا اکتسابی و اختیاری می‌باشد؟

در پاسخ باید گفت هر دو نوع آن وجود دارد. توضیح مطلب به این قرار است که برخی از انواع محبت‌ها فطری و غیر ارادی هستند. مثل محبت مادر و پدر به فرزند که از لحظه تولد فرزند وحشی قبل از تولد فرزند وجود دارد، و خداوند محبتی وصف‌ناپذیر را در دل مادر و پدر نسبت به فرزند قرار می‌دهد. ولی نوع دیگری از محبت نیز وجود دارد که اکتسابی و ارادی است و این امر با القا و تلقین امکان‌پذیر خواهد بود. توضیح مطلب آن است که ایجاد و تشدید محبت به میزان فراوانی اختیاری است، یعنی انسان می‌تواند با توجه به فضائل و مناقب فردی، محبت او را در دل افزون نماید تا آنجا که اشتیاقش به حدی برسد که آرزویش همراهی همیشگی با او و خدمتگزاری او باشد. همچنین واضح است که اگر کسی از رذائل شخصی آگاه گردد و متذکر پلیدی‌های او گردد، نسبت به او تنفر پیدا می‌کند و بی‌زار از دیدار او می‌شود. چرا که انسان خواستار نیکی‌ها و فضائل و منزجر از بدیها و پستی‌هاست.

حال اگر فرد شیعه معتقد به امام عصر (عجله) مرتب این معنا را متذکر خویش سازد که امام مخزن و منبع تمام فضائل و کمالات

خواهد رفت، از اینکه چرا محبوبش را نمی بیند و شمع نورانی وجود او تاریک خانه دل او را روشن نمی کند و چرا نمی تواند با دیدن و زیارت روی او دل شاد شود، حزین می گردد.

و غمگین بودن به خاطر طولانی شدن غیبت:

محب امام علیه السلام از اینکه چرا امام ظهور نمی کند تا وعده الهی حاکمیت حق بر جهان، تحقق پذیرد همواره تا زمان ظهور و برپایی حق و عدالت اندوهگین می باشد.

۲) انتظار فرج و ظهور داشتن

در متون مذهبی شیعه مسأله انتظار و فرج و ظهور داشتن از آن چنان اهمیتی برخوردار است که برای آن نمی توان میزانی مشخص نمود. تا جایی که این کلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله به صورت متواتر نقل شده است که:

«أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أُمِّي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»

برترین اعمال امت من انتظار فرج است.

در برخی روایات انتظار فرج را آنچنان بهایی بخشیده اند که آن را با شهادت هم ارز شمرده اند. مانند این روایت که:

«الْمُنْتَظَرُ لِأَمْرِنَا كَالْمُتَشَجِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

منتظر امر ما همانند کسی است که در میدان پیکار و مبارزه برای دفاع از اسلام در خون خویشتن در غلطیده باشد.

در برخی روایات نیز حداقل بهره و ثواب این امر را به اینصورت بیان داشته اند که منتظر فرج و ظهور همانند کسی است که در خیمه قائم علیه السلام و به همراه آن بزرگوار باشد.

این میان این مردم بودند که زیان بردند و خسران نصیبشان شد. حال محبت ما نیز نسبت به خاندان پیامبر به طور یقین به نفع ماست. چرا که زیاد شدن ارادت من نسبت به امام عصر باعث می‌گردد که توجه و عنایت آن قطب هستی نیز نسبت به این بنده ناچیز خدا زیادتر شود و زیادتر شدن توجه آن بزرگوار به من خیر دنیا و سعادت آخرت است. همان‌گونه که در حدیث قدسی است که پروردگار فرمود: «ای بنده من اگر یک وجب نزد من آیی من یک ذراع نزد تو خواهم آمد.» امام علیه السلام نیز مظهر اسماء و صفات خداست. اگر وجبی به سویش رویم آن بزرگوار یک ذراع به سوی ما خواهد آمد.

۲) غمگین بودن

غمگین بودن به خاطر غم و حزن خود امام علیه السلام:

اگر با دیده توجه بنگریم ایشان را می‌بینیم که سالها در زندان غیبت شاهد گرفتاریها و ظلم‌ها بوده است و سالهای درازی است که شاهد صدمه خوردن دین می‌باشد و ایشان که رؤوف‌ترین قلب‌ها را دارند و آگاه و مشرف بر سراسر گیتی است، بیشتر از همه در رنج و ناراحتی و اندوه به سر می‌برد. حال اگر حضرتش را دوست بداریم، چگونه می‌توانیم حزن و اندوه‌ناک نباشیم و خود را هم‌درد امام و مولایمان ندانیم؟!

و غمگین بودن به خاطر مفارقت و دوری از آن حضرت:

وقتی انسان به کسی علاقه شدید پیدا کرد یقینی است که از فراق محبوب و شخص مورد علاقه‌اش در حزن و اندوه و غم فرو

سعادت دیدار ما به گونه‌ای که ما را بشناسند هر چه زودتر نصیبتان می‌گردید پس هیچ چیز آنان را از ما دور نمی‌دارد مگر آنچه از آنان بما می‌رسد که آنها را ناخوش می‌داریم و آن اعمال را از ایشان روا نمی‌داریم.

چنانچه از توقیع فهمیده می‌شود گناهان از موانع ظهور به شمار می‌رود. حال چگونه ممکن است کسی که خود را منتظر ظهور حضرتش می‌داند. خود به دنبال گناه بگردد و در عین حال منتظر ظهور باشد؟ لذا است که منتظر حقیقتی نه خود گرد گناه می‌چرخد و نه راضی به گناه کردن دیگران می‌شود. بلکه در صدد آنست که ابتدا خود را و سپس دیگران را از گناه دور نماید و هم‌رنگ محبوبش گردد و موجبات رضایت او را فراهم کند.

و باز در توقیعی دیگر خطاب به شیخ مفید علیه السلام آمده است که همین‌گونه هم منتظر ظهوری که شوق یاری حجت خدا را دارد و سودای جان‌بازی در رکاب ظفر انتساب آن امام بزرگوار را در دل می‌پروراند. باید در این تلاش باشد که علاوه بر تحصیل عقاید حقه، از لوث گناه نیز مب‌زا و دامنش از آلائش گناه پاک باشد. انتظار ظهور باید که به انسان قابلیت حضور در محضر امام را به گاه ظهور بدهد و فرد را در مسیر تصفیه و تزکیه و تقوی قرار دهد.

و اما دیگر اثر انتظار که بسیار حائز اهمیت می‌باشد آنکه، فرد منتظر هرگز ناامید نمی‌شود. به مثال زیر برای تبیین مطلب توجه کنید:

دو نفر را در نظر آوریم که گرفتار بیماری لاعلاجی چون سرطان پیش‌رفته شده‌اند و پزشکان از معالجه این هر دو تن اظهار

انتظار فرج یعنی انتظار تشریف فرمایی امام عصر علیه السلام و انتظار تشکیل حکومتی که در آن حکومت بی‌ایمانی، بی‌تقوایی، ناپاکی، اعمال رذیله و پست جایگاهی ندارند. انتظار فرج یعنی انتظار ظهور کسی را کشیدن که دنبای آکنده از ستم و ظلم و حق‌کشی و استعمار و استثمار را دگرگون می‌سازد و عدالت مطلقه را در زیر لوای توحید خالص در پهنه گیتی می‌گستراند.

چنین انتظاری دارای اثراتی است. از جمله: دوری از گناه و امیدواری.

توقیعی از ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام خطاب به یکی از مرزداران شیعه و پاسداران ساحت مقدسه دین در زمان غیبت کبری، فقیه عالیقدر و بزرگوار شیخ مفید رحمته الله صادر شده است. امام علیه السلام در آن توقیع چنین فرموده‌اند:

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لِعَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلْتُ لَهُمُ السَّعَادَةَ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْسِبُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَنْصَلُّ بِنَا مِنْ نَكْرَهُهُ وَ لَا نُؤَيِّرُهُ مِنْهُمْ.^(۱)

اگر چنانچه شیعیان ما - که خدا آنان را بر طاعت خویش موفق فرماید - بر وفاء به عهده‌ای که با آنان بسته شده بود همگام بودند، یمن ملاقات ما برای ایشان به تأخیر نمی‌افتاد و

۱ - کتاب امام مهدی از ولادت تا ظهور ص ۳۲۱ و ۳۳۱ و ۳۳۲ از مرحوم سید کاظم قزوینی رحمته الله ترجمه نویسنده این سطور.

تلاش نمایند و جلوی این سیل را به میزان توانشان سد نمایند. ولی تردیدی نیست وقتی در می یابند تلاششان بی ثمر است و اقداماتشان بیهوده، سرانجام دست از تلاش و کوشش در جهت رهانیدن دیگر انسانها از نابسامانی های روحی و معنوی برداشته و در گوشه ای آرام گرفته و به نظاره آنچه می گذرد اکتفا می کنند.

ولی یک منتظر ظهور با این باور که جهان سرانجام به سامان خواهد رسید و یوسف گم گشته زهرا علیهما السلام به سوی کنعان عدالت خواهد آمد و کلبه احزان فساد و تباهی به ظهور تابناک و درخشان آن مشعل دار توحید و دادگری و صفا و امنیت، به گلستان تبدیل خواهد شد؛ در جهت اصلاح و بهبود وضعیت موجود و بسامان رساندن نابسامانی ها و رهانیدن انسان های درمانده از چنگال تباهی و فساد از پای نخواهد نشست و لحظه ای درنگ و تأمل نخواهد نمود و هر روز از روز پیش مصمم تر و محکم تر به انجام وظائف الهی خویش خواهد پرداخت. زیرا می داند که در انجام این وظائف دست قدرت مند حجت و ولی خدا یاور اوست و در همه احوال مددکارش خواهد بود. و از سوی دگر می داند که ظهور آن عزیز پایان بخش همه نابسامانی ها و بی عدالتی ها و بی تقوانی ها می باشد و این باور و اعتقاد همواره منتظر راستین ظهور را امیدوار نگاه داشته و قوای لازم را در زندگی و در جهت نیرو و پیکار با اهریمنان به وی اعطاء خواهد نمود.

یأس نموده‌اند. در تعبیر عامیانه این دو بیمار را جواب گفته‌اند، و یکی از این دو بیمار فردی است بی‌اعتقاد به خدا و مقدّسات و باورهای مذهبی و نفر دوّم فردی است معتقد به این مبانی و اصول. آیا وضع این دو نفر در مواجهه با چنین وضعیتی یکسان است؟ البته پاسخ منفی است. مرگ فرد بی‌اعتقاد همان لحظه‌ای فرا می‌رسد که پزشک یا پزشکان جواب ردّ نسبت به ادامه حیات وی داده‌اند و حال آنکه فرد معتقد به هیچ وجه ناامید نمی‌گردد و عُمر خویش را پایان یافته تلقّی نمی‌کند؛ چرا که او واجد صفتی است به نام امید که به او قدرت و نیرو می‌بخشد و به خویشتن همواره القاء و تلقین می‌کند که دنیا به آخر نرسیده و لطف خدای متعال به دنبال وساطت و شفاعت مقربان در خانه خدا به وی خواهد رسید و او را از آن مهلکه خواهد رهانید.

این مثال را از آن جهت آوردیم که خواننده ارحمند فضیلت انتظار فرج را به کمک این مثال بهتر دریابد.

در این تردیدی وجود ندارد که جهان ما در سراسیمگی سقوط ارزش‌های انسانی و اخلاقی قرار گرفته و با سرعت هرچه تمامتر به درّه هولناک ورشکستگی معنوی نزدیک‌تر می‌گردد. مصلحان و خیرخواهان نیز بنابر احساس مسؤولیت خویش هر از چندی راه حلّی را ارائه می‌دهند. ولی می‌بینیم که این حرکات و اقدامات نتیجه‌ای نداشته و سیل بنیان‌کن فساد هر روزه ریشه‌های ستر بیشتری از ارزشهای والا را بر می‌کند و با خویشتن همراه می‌برد. البته در این هنگامه آنان که برای خویشتن رسالتی قائلند سعی می‌کنند به اندازه مقدور و ممکن در ممانعت و جلوگیری از نابودی اخلاقی بشریت

وظایف اعضاء و جوارحی

(۱) دعاء کردن بر ظهور آن بزرگوار: از مهمترین وظایف بدنی منتظر، دعا کردن بر ظهور حضرت ولی عصر ارواحنا فدای می باشد. مهمترین این ادعیه:

الف) دعای اَللّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ و یا دعای بسیار معروفی که از زبان مبارک امام صادق علیه السلام جاری شده که عبارت باشد از:

اَللّهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى اٰبائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلاً وَ عَيْنًا حَتّٰى تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلاً

پروردگارا برای ولایت حجت بن الحسن که درودهای تو بر او و بر پدرانش باد در این ساعت و هر ساعت ولی و نگهبان و پیشوا و یاور و هادی و راهنما باش، تا آنکه زمانی رسد که او را در زمین خلافت بخشی و مدت زمان طولانی وی را در زمین

۴) علاقه قلبی و صمیمانه به ترویج نام محبوب عالمیان، حضرت صاحب‌الزمان (عج)

تردیدى در این معنی نیست که اگر انسان کسى را دوست داشته باشد، علاقه‌مند است که محبوب او بلند آوازه گردد. این علاقه نشان دهنده محبت انسان به محبوب می‌باشد. و میل قلبی محب این است که نام حضرت فراوان در میان مردم برده شود و هر جا نام امام عصر (عج) برده شود خوشحال شده و مسرور می‌گردد. آنچه گذشت اموری بود که به عنوان وظائف قلبی منتظر بیان گردید.

خواست وصال و حضور نیز به جذاب‌ترین صورت و در قالب الفاظ دل‌ریا جلوه‌گر گردیده است.

ج) از دیگر ادعیه‌ای که خواندنش از سوی خود آن بزرگوار تأکید گردیده آنجا که فرمودند: «هرگاه خواستید توجه کنید به وسیله ما به سوی خداوند تبارک و تعالی و بسوی ما، پس این دعا را بخوانید.» عبارت است از دعاء آل‌یس که با جمله سَلَامٌ عَلٰی اٰلِ یَسْ آغاز می‌گردد که در آخر این دعاء فقره ذیل آمده است:

و نُصْرَتِيْ مُعَدَّةٌ لَّكُمْ وَ مَوَدَّتِيْ خَالِصَةٌ لَّكُمْ

یعنی نصرت و یاری من برای شما مهیا است و ارادتیم نسبت به شما خالص است.

د) از دیگر دعا‌هایی که فرد منتظر باید حتماً خود را مقید به خواندن هر روز آن نماید دعاء عهد است که پس از انجام فریضه صبح به خواندن آن مبادرت ورزیده می‌شود که ابتدای آن با این عبارت آغاز می‌گردد:

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مُوَلَّائِیْ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الصَّلَوَاتِ وَ التَّحِيَّاتِ

که از خدای سبحان درخواست می‌کنیم بهترین درودها و تحیت‌ها را از سوی خود ما و پدران و مادران و فرزندان ما و نیز همه مردان و زنان مؤمن به حضرت صاحب‌الامر عَلَيْهِ السَّلَامُ برساند.

دعاء عهد دیگری در کتب ادعیه ذکر گردیده که بنا بر فرمایش امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ هر کس چهل صبح این دعاء را بخواند از یاوران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ خواهد بود و اگر پیش از ظهور آن حضرت

بهرمور سازی.

ب) یکی از ادعیه‌ای که در زمان غیبت، خواندنش استحباب بسیار دارد، دعای شریفه ندبه است که از نظر مضامین، بسیار عالی است و فقرات آن منطبق بر آیات قرآن و روایات صحیحیه می‌باشد که در این دعا میل قلبی و خواست باطنی و واقعی یک شیعه بر فرج و ظهور امام عصر(عج) به الفاظ کشیده شده است با فقراتی چون:

هَلْ يَنْصَلُّ يَوْمَنَا مِنْكَ بِغَدِهِ فَتَحْظِنِي وَ قَدْ مَلَأْتَ
الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَذَقْتَ أَعْدَاكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا

آیا می‌شود روزی آید که ما به گرد تو حلقه زده باشیم و تو بر مردمان امامت تمامی و سراسر زمین را از عدل آکنده کنی و بر دشمنانت خواری و عقاب را بپاشانی؟

مَتَى تَرَانَا وَ تَرِيكَ وَ قَدْ نَشَرْتَ لِرِوَاءِ النَّصْرِ تُرِي

کی شود که تو ما را ببینی و چشمان ما نیز به جمال تو روشن گردد و این در حالی باشد که تو پرچم پیروزی را در عالم برافراشته باشی؟

فَأَغِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ عُسَيْدَكَ الْمُبْتَلَى وَ أَرِهْ
سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى وَ أَرْزِلْ عَنْهُ بِكَ الْأَسَى وَ الْجَوَى

پس ای خدای فریادرس، به فریاد بنده بلا رسیده‌ات برس، و ای خدای توانا سرور او را به زودی به او (در ظهورش) نشان بده و سوز دل و اندوه وی را بدین گونه زایل بفرما.

و فقرات دل‌نواز دیگری که در دعاء ندبه است و در آنها شکوه و شکایت از فراق و جدایی به زیباترین وجه بیان گردیده و تمنا و در

ائمه طاهرين و بالاخص وجود مقدس حضرت صاحب الامر (عج) و تمنای ظهور آن بزرگوار از خدای تعالی و رهاییش حضرتش از چنگال ظالمان و خلاصه بهترین تمناهای قلبی بر صحت و سلامت و طول عمر و تعجیل در فرج و ظهور آن امام همام می باشد.

(و) دیگر از ادعیه وارده که شیعه دل داده باید در خواندن آن مداومت داشته باشد دعایی است که بهتر است پس از گزاردن دو رکعت نماز و رو به قبله خوانده شود و آن دعا ابتدایش این است:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ وَ صَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ
وَ بَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ الثَّامَةُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَ وَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ
وَ بِلَادِهِ ... صَاحِبِ الزَّمَانِ

سلام کامل و تمام خدای متعال و درودهای همیشگی و برکتهای پیوسته و مداوم پروردگار بر حجت خدا و ولی او در زمین و شهرهای او باد یعنی بر صاحب الزمان (عج) ...

(ز) از دگر ادعیه ای که باید خوانده شود، دعایی است که به عنوان زیارت حضرت صاحب الزمان در روز جمعه موسوم است، همان روزی که قرار است ظهور مولود السرور حضرتش در آن واقع شود. مطلع این زیارت چنین است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
عَيْنَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَوْرَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي
بِهِ الْمُهْتَدُونَ وَ يُفَرِّجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ ...

سلام بر تو باد ای حجت خدا در زمینش سلام بر تو باد ای چشمان خدا در میان خلقش سلام بر تو باد ای نور خدایی که

همیرد خداوند او را از قبر بیرون می آورد تا در خدمت آن حضرت باشد. آن دعاء با این فقرات آغاز می گردد.

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّوْرِ الْعَظِيْمِ وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَ رَبَّ
الْبَحْرِ الْمَسْجُوْرِ وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْاِنْجِيْلِ وَ الزُّبُوْرِ وَ
رَبَّ الظِّلِّ وَ الْحَرُوْرِ وَ مُنْزِلَ الْقُرْاَنِ الْعَظِيْمِ وَ رَبَّ
الْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبِيْنَ ...

پروردگارا، ای پروردگار نور بزرگ و خداوند کرسی بلند مرتبت و
پروردگار دریای بی انتها و فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور
و خداوند سایه و آفتاب گرم و نازل کننده قرآن عظیم و
پروردگار فرشتگان مقرب ...

ه) و از دیگر ادعیه ای که خواندن آن توصیه گردیده است دعایی
است که از ناحیه مبارکه خود حضرت صاحب الامر علیه السلام شرف صدور
یافته که در ضمن اعمال عصر جمعه آمده است. این دعاء دعایی
است به نام صلوات ابوالحسن ضرباب اصفهانی و بزرگان بیان
کرده اند که اگر ترک کردی تعقیب نماز عصر جمعه را به جهت
عذری، خواندن این دعاء را در عصر جمعه ترک مکن. ابتدای این
دعا چنین است:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ
الْمُرْسَلِيْنَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ... وَ
صَلِّ عَلٰى الْخَلْفِ الْهَادِي الْمَهْدِيْ اِمَامِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ
وَارِثِ الْمُرْسَلِيْنَ وَ حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ

که سراسر این دعاء درخواست از خدای تعالی بر نزول بهترین
تحمیت ها و درودها بر حجت های الهیه از پیامبر اکرم تا جملگی

دروء فرست ... پروردگار او را قدرتمند دار و به وسیله او نیز قدرت بخش و یاریش کن و به وسیله او نیز ما را یاری فرما و به آسانی او را پیروزش نما ... پروردگارا به دست او دینت و سنت پیامبرت را غلبه بخش ... پروردگارا ما از تو چنین آرزومندیم که دولت کریمه آن امام را به ظهور آوری، آن دولتی که در آن اسلام و اهلش را عزیز و قدرتمند نموده و نفاق و اهلش را خوار گردانی ... پروردگارا ما از فقدان پیامبران و غیبت امامان و زیادی دشمنانمان و کمی نفرتانمان به تو شکایت می‌کنیم ... و ای معبود ما در همه آنچه گفتیم ما را با فتحنی نزدیک از سوی خود و با برطرف ساختن رنج و سختی و یاری با اقتدار و سلطنت حقه یاری فرما ...

ی) و سرانجام دعایی که معمولاً در صبح‌های جمعه و به صورت سنتی پسندیده پس از دعاء ندبه خوانده می‌شود که عبارت باشد از دعاء عَظَمَ الْبَلَاءُ.

آنچه به اختصار گفته شد مشهورترین ادعیه‌ای بودند که در جهت ظهور آن حضرت بایسته است شیعه منتظر به عنوان انجام وظیفه در اوقات تعیین شده از خواندن آنها غفلت ننماید و شیفتگی و دل‌دادگی خویش را نسبت به محبوب خود، با ادای فقرات ادعیه مذکور بیان و ابراز و اظهار دارد و ضمن آرام کردن دل مشتاقش با قرائت این ادعیه به وظیفه خویش که همانا دعای پر فرج و ظهور آن بزرگوار است عمل نماید.

نکته‌ای که در انتهای این بخش لازم است ذکر و ضمیمه شود آنست که گمان نرود که دعای پر ظهور امام علیه السلام، عملی است

اهل هدایت به آن هدایت یافته و به آن فرج برای مؤمنان حاصل می‌شود.

ح) دعای دیگری که دارای فضیلت بسیاری است، دعاء مبارکه افتتاح است که از ناحیه مقدسه خود آن بزرگوار صادر گردیده است و شیعه منتظر باید به خواندن آن دعا همت نماید و در شب‌های ماه رمضان آنرا بخواند. در آن دعا ضمن بیان معارف حقه از زبان ولی عصر ارواحنا فدای، به شیعه تعلیم داده می‌شود که توسط فقرات انتهایی این دعا شور و شوق و علاقه وافق خود را به ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام ابراز و اظهار بدارد و از خدای متعال اصلاح امر ظهور و فرج آن بزرگوار را بخواهد. از جمله فقرات آن دعا می‌توان از فقرات ذیل نام برد:

وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُتَنْظَرِ
... اَللّٰهُمَّ اَعِزَّهُ وَاعْزِزْ بِهِ وَاَنْصُرْهُ وَاَنْتَصِرْ بِهِ وَاَنْصُرْهُ
نَصْرًا عَزِيْزًا وَاَفْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيْرًا ... اَللّٰهُمَّ اَظْهِرْ بِهِ
دِيْنَكَ وَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ ... اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَرْغَبُ اِلَيْكَ فِيْ دَوْلَةِ
كَرِيْمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْاِسْلَامَ وَاَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا التَّنَاقُ وَاَهْلَهُ
... اَللّٰهُمَّ اَلْمُمْ بِهٖ شَعْنَنَا وَاَشْعَبْ بِهٖ صَدْعَنَا وَاَرْتُقْ بِهٖ
فَتْقَنَا ... اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُوْ اِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَ
كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا ... وَ اَعِنَّا عَلٰى ذٰلِكَ بِفَتْحِ
مِنْكَ تُعَجِّلْهُ وَ بَصُرٍ تَكْثِيْفُهُ وَ نَصْرِ تَعِزُّهُ وَ سُلْطَانٍ
حَقٍّ تُظْهِرُهُ ...

یعنی: و خدایا بر قیام کنندگان که همگان به او امید دارند و آن‌کس که عدالت مورد انتظار را در جهان پیاده خواهد کرد

حضرت هادی علیه السلام چیست؟ پاسخ داد به خاطر مطلبی که برایم اتفاق افتاد و ماجرا از این قرار بود که من مردی فقیر ولی در سخن گفتن بی پروا بودم و به علت همین جرأت در سخن گفتن مردم اصفهان، من و جمعی دیگر را در سالی از سالها از شهر بیرون کردند و من به ناچار روانه دیار خلیفه عباسی متوکل شدم، تا در آنجا نظم کنم. روزی که به بغداد رسیدم و عازم قصر متوکل شدم در همان روز متوکل امر به احضار حضرت هادی علیه السلام کرده بود. من از مردم پرسیدم: این مردی که متوکل امر به احضارش کرده کیست؟ پاسخ دادند: احضار شده فردی است علوی که رافضیان اعتقاد به امامت او دارند و متوکل دستور به احضار وی داده تا اینکه او را به قتل برسانند. گفتم: از اینجا حرکت نمی‌کنم تا اینکه این مرد را ببینم که کیست؟

پس از چندی دیدم که او را سوار بر اسب آوردند در حالی که مردم در قسمت‌های راست و چپ جاده ایستاده و منتظر ایشان بودند وقتی چشمم به جمالش افتاد، محبتش در قلبم جای گرفت و در دلم از خدا خواستم که پروردگار مهربان شز متوکل را از او بردارد وی در حالی که فقط به جلو می‌نگریست و نگاهش متوجه یال‌های اسب خویش بود مقداری جلو آمد بدون آنکه توجهی به راست و چپ مسپر داشته باشد، من نیز پیوسته در دل مشغول دعا کردن برای او بودم، وقتی به محلی رسید که من ایستاده بودم رو به سوی من کرده و فرمود خدای تعالی دعایت را مستجاب فرماید و به تو عمری طولانی و مالی فراوان و فرزندانی زیاد عنایت فرماید. از شنیدن این کلمات از او بر خویشتن لرزیدم و به میان هم‌شهریانم

یک طرفه و یک جانبه و از آن طَرْفِی جز انجام وظیفه بسته نمی شود!! چرا که در همین ارتباط از سوی خود حضرت دستوری صادر گردیده است به این مضمون که: أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ فِيهِ فَرْجَكُمْ یعنی هر ظهور و فرج بسیار دعا کنید که در این دعا کردن بر فرج و ظهور امام علیه السلام، نزد دعا کننده بهره های فراوان خواهد برد و گرفتاری های او نیز حل خواهد گردید، زیرا با پروردگار مهربان مقدر فرموده است که با دعای من، فرج و ظهور امام علیه السلام واقع شود و امر به ظهور از جانب خداوند صادر گردد، که در این صورت فرج کلی خواهد شد و تمامی مشکلات و گرفتاری های شیعه حل خواهد شد؛ و یا آنکه این امر، به دعاء کردن من تقدیر نشده است، که در این صورت مطلب به گونه دیگری اتفاق خواهد افتاد و آن اینکه محال است که من ناچیز و ناتوان و بی مقدار برای امام که معدن کرم و جوان مردی و بزرگواری و حق شناسی است دعا کنم، ولی آن بزرگوار در قبال عرض ادب و ارادت من به ایشان بزرگواری ننمایند و برای من دعا نکنند، به طور مسلم حضرتش نیز برای من دعا خواهد فرمود با این تفاوت که آن وجود نازنین نزد خدا جایگاه رفیعی داشته و مستجاب الدعوه اند و به یقین آن امام همام نیز برای من دعا خواهد فرمود و پروردگار مهربان نیز دعای آن عزیز را استجاب خواهد نمود.

ذکر واقعه ای در این ارتباط خالی از لطف نمی باشد.

در کتاب خراج قطب راوندی چنین آمده: در اصفهان شخصی زندگی می کرد بنام عبدالرحمن که مذهب او برخلاف مذهب مردم اصفهان، شیعه بود، از وی پرسیدند که علت تشیع و اعتقاد به امامت

(۳) سومین وظیفه اعضاء و جوارح این وظیفه است که مرتب از خدای متعال تقاضا نماییم تا معرفت هر چه بیشتر خود و پیامبر و حجتش را نصیب ما فرماید و در این ارتباط بهترین دعایی که وارد شده دعایی است که از حضرت صادق (علیه السلام) در بحار نقل گردیده است:

اَللّٰهُمَّ عَرَّفْنِيْ نَفْسَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَّمْ تُعَرِّفْنِيْ نَفْسَكَ لَمْ
 اَعْرِفْ نَبِيَّكَ اَللّٰهُمَّ عَرَّفْنِيْ رَسُوْلَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَّمْ
 تُعَرِّفْنِيْ رَسُوْلَكَ لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَكَ اَللّٰهُمَّ عَرَّفْنِيْ
 حُجَّتَكَ فَاِنَّكَ اِنْ لَّمْ تُعَرِّفْنِيْ حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ
 دِيْنِيْ (۱)

پروردگارا خود را بر من بشناسان، زیرا اگر تو خودت را بر من
 نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. بار خدایا! پیامبرت را
 به من بشناسان، زیرا اگر تو پیامبرت را به من نشناسانی،
 حجتت را نخواهم شناخت. پروردگارا حجت خویش را به من
 بشناسان، زیرا اگر حجتت را بر من نشناسانی از دینم گمراه
 خواهم گردید.

(۴) وظیفه چهارم عبارت است از مداومت بر خواندن این دعا
 در زمان غیبت بنام دعاء غریق که از وجود مقدس حضرت
 صادق (علیه السلام) رسیده است.

يَا اَللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيْمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوْبِ ثَبِّتْ قَلْبِيْ

برگشتم. از من حالم را پرسیدند. من پاسخ دادم، خوبم، بدون آنکه از آن ماجرا چیزی بر زبان جاری کنم.

پس از مدتی ما به اصفهان باز گشتیم. خدای تعالی در رحمت خویش را بر من گشود به گونه‌ای که هم اکنون در منزل خود یک میلیون درهم اندوخته دارم و این مبلغ غیر از مالی است که در خارج خانه دارم. به علاوه خدای مهربان ده فرزند نصیب فرموده است و تا این لحظه نیز از عمرم هفتاد و چند سال گذشته است. امروزه نیز این توفیق را دارم که به امامت آن بزرگواری که از اسرار درونی و رازهای قلبیم خبر داد، معتقدم. آن امام بزرگواری که پروردگار مهربان دعایش را در حق بنده ناچیزش مستجاب فرمود. (۱)

پس باید که برای بهره‌وری از دعا‌های حضرت ولی‌عصر ارواحنا فدای برای سلامت و فرج حضرتش دعا نمود، چون این دعا کردن ضمن انجام وظیفه قطعی و حتمی مایه نزول برکات بر دعا کننده نیز خواهد بود.

(۲) وظیفه دوم آنکه در دعا کردن همواره امام عصر علیه السلام را بر خویشان مقدم بداریم و حوائج ایشان را بر حوائج خودمان ارجح بدانیم کما اینکه در ادعیه آمده است:

وَمُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلَبَتِي وَ حَوَائِجِي.

یعنی در دعا شما را بر خویشان و خواسته‌ها تنها و نیازمندی‌هایم مقدم می‌دارم.

وَجَلِبْنَ تُصْبِعُ الْأَرْضُ بِدِمَائِهِمْ وَ يَقْشُوا التَّوِيلُ وَ الرِّقَّةُ
فِي نَسَائِهِمْ.

یعنی در زمان غیبت مهدی علیه السلام دوست داران و شیعیان او را
می کشتند و به آتش می کشند و آنان همواره ترسان و لرزان و
وحشت زده خواهند بود، زمین از خونیان رنگین گردیده و
صدای ضجه و ناله زنانشان بلند خواهد گردید.

آری، شیعه دل داده و منتظر ظهور باید در برابر آزارها و اذیت ها
صبور و خویش تن دار بوده و در برابر این صبر و تحمل خود را برای
دریافت بهترین پاداش ها و غوطه ور شدن در رحمت های الهی آماده
نماید.

(۶) وظیفه دیگر، آنست که هر روزه عهد و پیمان با آن بزرگوار
را پس از انجام فریضه صبح به وسیله قرائت دعای عهد که در بخش
ادعیه بر حضرت به آن پرداختیم، تجدید نماییم.

(۷) وظیفه مهم دیگر در زمان غیبت ولی عصر ارواحنا فداه آنست
که از گناهان خویش توبه واقعی نماییم. چرا که در زمان غیبت،
زیادی گناهان، باعث دوری از آن بزرگوار و به تعویق افتادن ظهور
حضرتش می گردد. در توقیعی که از ناحیه مقدسه امام عصر علیه السلام
شرف صدور یافته است، بدان مطلب سخت تأکید و اصرار شده
است. آنجا که می فرماید:

فَمَا بَحِثْنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَائِمِنَا نَكْرَهُهُ وَ لَا
نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ

پس هیچ چیز شیعیان را از ما دور نمی دارد مگر آنچه از آنان
بما می رسد که آنها را ناخوشایند می داریم و آن اعمال را

عَلَى دِينِكَ^(۱)

که در این دعا با بیان فقراتش عرض می‌کنیم «ای الله، ای
بخشنده‌ای مهربان، ای خدای دگرگون کننده قلبها، قلب مرا
بر دین خود ثابت بدار.»

۵) وظیفه دیگر از وظائف زمان غیبت عبارت است از صبر و
تحمل در برابر آزار و اذیت و ایذاء دشمنان. در همین ارتباط
حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌فرماید:

«أَمَّا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ
بِمَنْزِلَةِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»^(۲)

بدانید که منزلت آن کسی که در زمان غیبت او بر آزارها و
اذیت‌ها صبر نماید همانند منزلت آن کس است که با
شمشیرش در رکاب رسول خدا پیکار نموده باشد.

زیرا که تردیدی وجود ندارد که دوستان امام علیه السلام به خاطر آشکار
نبودن امام و نیز مأذون نبودن آن بزرگوار به استفاده از قدرت
ولایت مطلقه کلبه الهیه در زمان غیبت در هر مورد و مطلبی، در
معرض آزارهای فراوان قرار خواهند گرفت، که این ایذاءها طبق
حدیث لوح جابر که در کتاب کافی و دیگر کتب معتبره شیعی آمده
است از این انواع خواهد بود:

فَيُقْتَلُونَ وَ يُحْرَقُونَ وَ يَكُونُونَ خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ

دیگر مهمتر و مأجورتر است و مؤمنان زمان ائمه برتر و والا تر است.

(۹) از جمله دیگر وظائف بدنی، جلب محبت مردم به سوی امام است و این امر به اینصورت محقق می شود که مردم بدانند امام منشأ چه خیرات و برکات عظیمه ای می باشد و دل در گرو مهر حضرتش سپردن، تا چه اندازه برای خود مردم وسیله بروز نعمات الهیه خواهد گردید. در همین ارتباط است که در حدیث می خوانیم:

رَجِمَ اللَّهُ امْرَأَةً اجْتَرَّتْ إِلَيْنَا مَوَدَّةَ النَّاسِ

رحمت خدا شامل حال آن کس باد که محبت مردم را به سوی ما جلب و جذب کند.

نکته ای که در این ارتباط گفت آنکه آیا شیفته و علاقمند به حضرت مهدی علیه السلام راضی می شود که به علت ارتکاب وی به اعمال ناپسند و گناه آلوده آبروی محبوب و مطلوب وی ریخته شود و امام مهربان او در میان مردم بی حرمت گردد و دل امامش رنجیده گردد؟!

شکی نیست که ارتکاب گناهان توسط یک فرد شیعه منتظر واقعی نه تنها باعث می شود که آبروی خود او ریخته شود، بلکه آبروی امام بزرگوار او نیز در معرض هتک و اهانت قرار می گیرد، زیرا آن کس که اعتقادی به حضرت مهدی علیه السلام ندارد با ارتکاب گناه فقط آبروی خود را می برد و رفتن آبروی او ارتباطی با آبروی امام پیدا نمی کند و حال آنکه بدانند ایشان و بدخواهان گناه فرد شیعه را به حساب امام می نویسند. در همین زمینه روایات فراوانی از ائمه شیعه رسیده است. از جمله روایتی است منسوب به حضرت

شایسته ایشان می‌دانیم.

پس توبه از گناه نمودن هم باعث جلب توجه بیشتر امام علیه السلام گردیده و هم باعث می‌شود که انشاءالله در ظهور حضرتش تسریع گردد.

دلیل بر این مطلب حدیثی است که در جلد ۵۱ و ۵۲ بحارالانوار نقل گردیده است، که مضمون حدیث چنین است: خداوند متعال به حضرت ابراهیم و همسرش ساره بشارت داد که در سنین کهولت و پیری صاحب فرزندی خواهند شد، ساره خندید و گفت: «چگونه این امر ممکن است و حال آنکه من و تو هر دو پیر هستیم!» ندا رسید که اولاد ساره به همین خاطر یعنی باور نداشتن ساره قدرت خدا را، تا ۴۰۰ سال معذب خواهد ماند، وقتی بر بنی اسرائیل عذاب نازل شد، چهل روز به درگاه خدا ضجه و ناله و زاری و توبه نمودند، آن هنگام بود که خدای تعالی به خاطر ضجه و توبه آنان ۱۷۰ سال از عذابشان کاست و موسی و هارون را مأموریت داد که برخیزند و آنان را از جور و ستم فرعون نجات بخشد.

۸) وظیفه بدنی دیگر، اهتمام در تحصیل صفات حمیده و اخلاق پسندیده و انجام طاعت و عبادات شرعیه است که به‌طور طبیعی تحصیل این امور همراه با اجتناب از گناهان و معاصی خواهد بود و به تحقیق مراعات این امور در زمان غیبت بسیار مشکل‌تر و سخت‌تر از زمان ظهور حضرت است، چرا که در زمان غیبت، ملحدین و مشرکین و مشککین راحت‌تر می‌توانند مؤمنان را گمراه کنند. بر همین اساس نیز ایمان داشتن در زمان غیبت امام عصر علیه السلام از تمام ازمنه

می‌توان از آنها به این صورت نام برد.

(الف) زیارت مشاهد مشرفه و بقاع متبرکه مانند زیارت مرقد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام. زیارت مرقد نورانی حضرت فاطمه معصومه علیها السلام. زیارت قبور امام زادگان یعنی فرزندان حضرت علی و حضرت زهرا علیها السلام که در گوشه و کنار این مملکت پراکنده‌اند. امام‌زاده‌هایی چون حضرت عبدالعظیم حسنی. حضرت حمزه بن موسی الکاظم. امام‌زاده عبدالله در شهر ری. امام‌زاده صالح و امام‌زاده قاسم در شمیران. امام‌زاده داود نزدیک تهران. حضرات احمد بن موسی. محمد بن موسی علاء الدین حسین علیه السلام در شیراز. امام‌زاده ابراهیم در زنجان. امام‌زاده حسین بن علی بن موسی الرضا در قزوین. امام‌زاده عبدالله در آمل. امام‌زاده طاهر بن علی بن الحسین در مهر شهر کرج. امام‌زاده یعقوب در هیدج زنجان. امام‌زاده سید جعفر و امام‌زاده نصیر الدین در یزد. امام‌زاده هاشم نزدیک رشت و حضرات امام‌زاده یحیی و امام‌زاده عبدالله و امام‌زاده محسن در همدان و امام‌زاده یحیی و سید اسماعیل و سید نصرالدین در تهران و سرانجام مرقد مطهر شیخ بزرگوار صدوق علیه السلام در ابن بابویه شهر ری و دیگر اماکن متبرکه.

نکته قابل ذکر آنکه جز در کنار ضریح مطهر ائمه معصومین علیهم السلام که قرائت زیارت جامعه کبیره و امین الله وارد است. در بقیه اماکن مقدسه طبق آنچه در کتاب معتبر و ارزشمند کامل‌الزیارات ابن قولویه آمده است. به عنوان انجام بهترین زیارات می‌توان ۱۱ بار سوره اخلاص و ۷ بار سوره قدر را خواند و ثواب آنها را به صاحب قبر هدیه نمود. و چه زیبا و بجاست که این

صادق علیه السلام به این مضمون که فرمودند: کار خیر از هر کس سرزند نیکو است، ولی از شما شیعیان نیکوتر است؛ و کار زشت نیز از هر کس سرزند زشت است، ولی از شما شیعیان زشت تر خواهد بود. چرا که شما منسوب به ما هستید و کار شما با ما ارتباط پیدا می کند و مردمان اعمال شما را به حساب ما می نویسند. لذا در انجام کار خیرتان به عنوان شیعه، باعث می شوید که آبروی ما افزونی یابد و در انجام کار زشتتان به عنوان شیعه، باعث می شوید که آبروی ما نیز در معرض هتک و اهانت قرار گیرد.

۱۰) از دیگر وظائف بدنی، انجام امور مستحبّه به نیابت از طرف حضرت ولی عصر ارواحنا فداه این مطلب هم از اهمیت خاصی برخوردار است، و هم دارای شعبه های گوناگونی است، و ما به صورتی بسیار مختصر وظائف را در این بخش با اندکی توضیح و تفصیل می نگاریم. ولی قبل از پرداختن به تفصیل اعمال مستحبّه لازم می دانیم این نکته را متذکر شویم که انجام اعمال مستحبّه به نیابت از سوی حضرت صاحب الامر علیه السلام دارای امتیازاتی عمده است.

نخست آنکه توجه وجود مقدس امام عصر علیه السلام را با انجام این گونه اعمال به سوی خود جلب و جذب می کنیم، و از سوی دیگر وقتی قرار شد من در انجام اعمالی، نقش نایب امام زمان علیه السلام را ایفاء کنم، به یقین آن عمل مقبول درگاه حضرت احدیت جلّ و علا قرار خواهد گرفت، و فرشتگان آن عمل را به عنوان عمل پذیرفته شده به بارگاه قدس ربوبی خواهند برد. به هر حال اعمال مستحبّه ای که به نیابت از سوی امام عصر علیه السلام انجام می پذیرد بسیار است که

ب) سخنران و واعظ مجلس، تنها جهت تشفی خاطر جدّه سادات سخن بگوید و ذکر مصیبت نماید.

ج) مستمعان و شرکت کنندگان نیز فقط با این نیت در مجلس حاضر شوند.

۱۲) وظیفه دیگری که باید انجام داد آنست که به هر نحوی از انحاء که شده، باید ترویج محبوب نمود، این ترویج می تواند به صورت گوناگون انجام پذیرد: ترویج زبانی، قلمی، قدمی و مالی.

در ترویج زمانی لازم نیست که شخص سخنور و سخنران باشد تا در مجالس وعظ و خطابه درباره امام عصر علیه السلام سخن گوید و ذکر مناقب و فضائل آن حضرت را نماید، البته اگر این مهارت را داشته باشد چه بهتر، بلکه این مطلب حتی می تواند در سطحی محدود انجام پذیرد، مثلاً در ساعاتی که افراد خانواده گرد هم جمع می شوند، و یا افراد فامیل در کنار هم قرار می گیرند، و یا این کار ممکن است در محلّ اشتغال و کسب و کار و حتی در وسائل نقلیه صورت گیرد. ترویج قلمی حضرت ولی عصر ارواحنا فداه تأثیری بسیار فراگیرتری دارد به ویژه آنان که دست به قلم دارند و از قریحه نویسندگی بهره مندند. و این خدمتی است که هرگز معادل هیچ یک از اثرات صاحب قلم نبوده و از ارزشی پس والا و بالا برخوردار است که ضمن جلب نمودن توجه بیشتر حضرت صاحب الامر علیه السلام، به عنوان یکی از باقیات صالحات نیز تلقی می گردد و در روز رستاخیز و قیامت وسائل جلب شفاعت حضرت حجت بن الحسن علیه السلام را برای نویسنده فراهم خواهد نمود.

مراد از ترویج قدمی سعی و تلاش در برگزاری مجالس مبارک

زیارات به نیابت از طرف حجت زمان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء انجام پذیرد.

ب) خواندن نمازهای مستحبه به نیابت از طرف امام عصر علیه السلام.

ج) عبادت از بیماران شیعه متدین به همین قصد و نیت.

د) فاتحه خواندن در قبرستان شیعیان به نیابت از طرف امام عصر علیه السلام.

ه) به پاری شیعیان درمانده شتافتن به همین نیت.

و) قرائت قرآن کریم به نیابت از سوی حضرت مهدی علیه السلام.

ز) نماز شب خواندن به همین قصد.

ح) کمک مالی به فقراء شیعه کردن به نیابت از سوی حضرت حجت علیه السلام.

و دیگر امور از این قبیل که می توان موارد وسیعی را دربر گیرد. (۱۱) شرکت در مجالس سوگواری و عزاداری اجداد بزرگوار امام عصر علیه السلام به ویژه شرکت در عزاداری خامس آل عباس علیهم السلام و حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام، و نیز شرکت در مجالس جشن و سرور معصومین علیهم السلام که انشاء الله موجب رضایت وجود مسعود امام زمان علیه السلام خواهد شد.

به فرموده بزرگی که خدای بر علو درجانش بیافزاید، حضرت ولی عصر ارواحنا فداء به مجالس عزای جد شهید و مظلومشان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام با وجود شرایطی عنایت خواهند فرمود و آن شرایط عبارتست از:

الف) بانی مجلس، مجلس را فقط جهت تسلی خاطر حضرت زهرا علیها السلام منعقد کند.

یافت. از آن جمله:

أَيُّنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَنَى

کجاست آن مهدی که از سوی او باید نزد خدا رفت؟

أَيُّنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ

کجاست واسطه اتصال بین زمین و آسمان؟

نکته قابل ملاحظه و درخور عنایت آنکه آن امام مهربان بسیار به شیعه علاقه‌مندند و منتظر صدای استغاثه شیعه می‌باشند. یعنی در واقع انجام این وظیفه که توسل به حضرت حجت^{علیه السلام} باشد، نفع و سودش به خود شیعه باز خواهد گشت و بهره دنیوی و اخروی نصیب شیعه‌ای خواهد شد که جهت برآورده شدن حاجاتش دست توسل به سوی آستان ملک پاسبان امام زمانش دراز کرده باشد.

(۱۴) از مهمترین وظائف شیعه در زمان غیبت آخرین حجت الهیه، همت گماردن بر رفع مشکلات و درماندگی‌های شیعیان در مانده می‌باشد. و به سخنی دیگر گره‌گشایی از کار گره در کار افتادگان است. در این مورد هر اندازه از اهمیت مسأله و عنایت و توجه امام عصر^{علیه السلام} بیان شود، کم گفته شده است. برای آنکه این صفحات از بیان چنین مطلب با اهمیتی عاری و خالی نباشد، فقط به ذکر یک مورد با رعایت اصل خلاصه نویسی اکتفا می‌نماییم.

علی بن ابراهیم مهزیار اهوازی از علماء و روات حدیثی شیعه به شمار می‌آید و در عین حال از شیفتگان و دل‌دادگان ساحت قدس حضرت بقیه الله ارواحنا فداء است. او می‌گوید من غیر از یک نویت حج واجب، ۱۸ بار حج مستحب به جای آوردم به این امید که در این سفر چشمانم به جمال مولایم روشن گردد. چرا که آن

و میمون مربوط به امام عصر علیه السلام، به ویژه مجالس ولادت با سعادت آن امام همام و آن ذخیره پروردگار مهربان و آن کشف و پناه شیعیان، می باشد. در برخی از این جلسات صاحب نظران و ژرف نگران دل داده و شیفته، برکاتی را دریافت کرده و مشمول عنایات خاصه حضرت ولی عصر ارواحنا فداه گردیده اند، که بیان و شرح و تفصیل آنها، این مجموعه را از اختصار خارج خواهد نمود.

در صفحات آینده درباره ترویج مالی، تحت عنوان وظائف مالی سخن خواهیم گفت.

(۱۳) وظیفه دیگر توسل به امام علیه السلام است. از آنجا که امام واسطه فیض الهی است، باید او را وسیله تقرب الهی بدانیم و به وسیله او از خدا درخواست کنیم و بدانیم در مواردی که توسل به ذوات مقدسه معصومین علیهم السلام داریم، این توسلات و عرض نیاز و حاجت به درگاه حضرت باری تعالی سرانجام توسط حجت زنده صورت خواهد پذیرفت و رفع حوائج و نیازها نیز توسط امام حجت نسبت به حاجت مند انجام خواهد گرفت. به این معنی که اگر حاجت مندی جهت رفع حاجت و نیاز خویش متوسل به ذیل عنایات حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام شود، تقاضای او از سوی حضرت فاطمه علیها السلام به حضرت بقیة الله علیه السلام ارجاع داده می شود و توسط این بزرگوار به محضر پروردگار عرضه می گردد. و از آن سوی نیز اگر قرار بر روا شدن حاجت او باشد، حاجتش از حضرت حق جل و علا به حضرت صدیقه علیها السلام عنایت می گردد و از حضرت فاطمه علیها السلام به دست حضرت مهدی علیه السلام و از طریق امام عصر علیه السلام به حاجت مند داده خواهد شد. این معنا را در فقراتی از دعاء شریفه ندبه می توان

قرآن بسیار تلاوت می کرد و شب زنده دار بود. ^(۱) سپس از من پرسید: «آیا این مهزیار را می شناسی؟» گفتم: «خودم هستم.» پس گفت: «جمعه صبح قبل از طلوع فجر اینجا باش. تا آنکه به زیارت مولا برویم.» گفتم: «کدام مولا؟» جوان پاسخ داد: «مگر شما چند مولا دارید؟ مُرادم مولا امام عصر علیه السلام است.» گفتم: «من تعدادی دوست صمیمی در اینجا دارم آیا مجازم آنها را نیز سحرگاه جمعه همراهم بیاورم؟» گفت: «خیر آنان شایسته حضور در محضر امام عصر علیه السلام نیستند.»

من پس از این ملاقات به منزل آمدم و شب جمعه از دوستانم خداحافظی کرده و خود را قبل از طلوع فجر به کنار خانه کعبه رساندم و به همراه جوان راهنما پس از به جا آوردن نماز شب و فریضة صبح، به سوی طائف حرکت کردیم. پس از عبور از تپه هایی، وارد دشتی شدیم و خیمه ای سیاه را بر بالای تپه ای مشاهده نمودیم. جوان راهنما جلوتر از من داخل خیمه شد. تا آنکه برای من اجازه دخول بگیرد. سپس بیرون آمد و اجازه امام را به من ابلاغ نمود. داخل خیمه شدم و پس از سلام و عرض ادب بر دستها و پاهای مولایم بوسه ها زدم و عرض کردم آقای من، پیوسته در جستجوی شما بودم و سالیان درازی مشتاق زیارتتان. امام ضمن اظهار بزرگواری فراوان و ملاطفت و ملایمت بسیار به من فرمودند: «ای علی بن ابراهیم، من که امام زمان تو هستم از تو می خواهم که

۱- از این عبارات که در سطور آتی هم خواهد آمد، معلوم می شود که چه اموری انسان را مورد توجه امام عصر علیه السلام قرار می دهد.

بزرگوار امیر الحاج است و هر سال در موسم حج، در آن اعمال روحانی شرکت می‌کنند. ولی متأسفانه چنین توفیق و سعادت نصیب نشد و از همین روی وقتی دوستان نزدیکم در موسم حج نزد آمدند و پیشنهاد کردند که آن سال نیز همراهشان بروم، از پذیرفتن پیشنهادشان معذرت خواستم و گفتم: «نه این بار و نه هیچ نوبت دیگر به حج مشرف نخواهم شد.» در شب همان روز که به دوستانم جواب رد دادم، در حالتی بین خواب و بیداری، هاتفی مرا ندا داد: «امسال مشرف شو. زیرا که در این نوبت تشرف شاهد مقصود را در آغوش خواهی کشید و به زیارت محبوب نائل خواهی گردید.»

پس از این مکاشفه، نزد دوستان رفته و تغییر تصمیم را به اطلاع آنان رساندم و آنگاه همراهشان عازم گردیدم و پس از سفر به عراق و زیارت عتبات وارد عربستان شدیم و به انجام مناسک حج پرداختیم. ولی با وجود آنکه مناسک به انجام رسیده بود، متأسفانه من توفیق درک هیچ فیضی از سوی محبوب را نیافتم، و به این نتیجه رسیدم که آنچه به عنوان هاتف غیبی انگاشته بودم، تصور و توهمی بیش نبوده است. لذا افسرده و پژمرده تصمیم گرفتم برای آخرین بار طوافی بجای آوردم و با خانه کعبه خداحافظی کنم. لذا در نیمه‌های شب شروع کردم به طواف و در شوط سؤم و یا چهارم بود که جوان زیبا رویی نزد آمد و سلام کرد. جواب دادم. از من پرسید: «اهل کجا هستی؟» پاسخ دادم: «اهل اهواز.» پرسید: «این خضیب را می‌شناسی؟» گفتم: «آری ولی او از دنیا رفته است.» جوان گفت: «خدایش رحمت کند. او نمازش را پاکیزه می‌خواند و

ممالک اسلامی و حتی کشوری شیعه چون ایران به چشم می خورد که عقاید ناپاک و ناصحیح به صورت های گوناگون در این راستا میدان جولان یافته اند و در گمراه کردن شیعیان ساده دل مشغولند. عقاید انحرافی که گاه انحرافشان در انکار معتقدات و مقدسات شیعه است و گاه انحرافشان در افراط برخی باورهای دین که منجر به شرک می گردد، ظهور می یابد.

و شیعه باید بداند که دشمنان قسم خورده این آئین پاک و خدایی، با همکاری و تأیید بیگانگان و استعمار و ابر قدرت جنایتکاری چون آمریکا و ابر قدرت حيله گری چون انگلستان، به قلع و قمع ریشه های درخت تنومند و سرفراز تشیع مشغولند و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نیستند.

به هر حال وظیفه شیعه آگاه، دفاع از کیان تشیع و نیز نجات ساده دلائی از شیعه است که ممکن است تحت تأثیر القانات و تلقینات دشمنان شیعه قرار گیرند.

(۱۶) تکذیب کسانی که مدعی ارتباط با امام عصر علیه السلام هستند. در ارتباط با انجام این وظیفه ذکر اموری ضروری می نماید: همان گونه که اعتقاد صحیح ایجاب می کند، باید براساس توقیعی که به هنگام وفات چهارمین نایب خاص^(۱) امام علیه السلام از سوی حضرت حجت علیه السلام شرف صدور یافت، معتقد بود که در زمان غیبت کبری مسئله ارتباط با امام علیه السلام به این معنی که بتوان مدعی شد کسی از محل امام مطلع است و هرگاه که بخواهد می تواند با حضرت

مدّت یک هفته را میهمان من باشی.» بسیار خوشحال و مسرور گردیدم. آنگاه امام به دنبال این جملات چنین اضافه فرمودند: «ای ابن مهزیار، علّت آنکه شما توفیق زیارت را نمی‌یابید و از دیدن امامتان بی‌بهره می‌باشید آنست که:

(الف) اقویاء شیعه بر ضعفای آنها رحم نمی‌کنند.

(ب) اغنیاء شیعه بر فقراء شیعه کمک نمی‌نمایند.

(ج) شما صلّه رحم را ترک کرده‌اید.»^(۱)

از آنچه گذشت می‌توان برخی از اموری را که به عنوان انجام وظائف مورد نظر امام عصر علیه السلام است، دریافت، به‌خصوص این سه فقره آخر را که به‌طور کامل در جهت ارتباط و اتصال شیعه با یکدیگر و کمک و دستگیری به شیعیان درمآنده و گره در کار افتاده، است؛ باید مد نظر و وجهه همت قرار داد.

(۱۵) از دیگر وظائف شیعه در قبال حبّت حقّ دفاع از حریم این بزرگوار است با توجه و عنایت به دو اصل:

(الف) قرار گرفتن عقاید حقّه مبتنی بر کتاب و عترت، که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تمسک به دو ثقل کتاب و عترت را راه هدایت و مصون ماندن از ضلالت بیان فرمودند. بنابراین اخذ اعتقادات جز از این طریق منجر به هدایت و یافتن عقاید حقّه نمی‌گردد.

(ب) شناختن دشمنانی که بر علیه آن حضرت و بر علیه دین صف بندی کرده‌اند. امروزه این قضیه به شدت هر چه تمامتر در

۱- این روایت به‌صور گوناگون نقل شده است که این بنده با بهره گیری از تمام صور آن و به اختصار در جهت حصول مقصود، آنرا نقل نمودم.

لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ، إِحْدَهُمَا قَصِيرَةٌ وَ الْآخَرَى طَوِيلَةٌ الْغَيْبَةُ الْأُولَى لَا يَسْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ شِيعَتِهِ وَ الْآخَرَى لَا يَسْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ^(۱)

از برای قائم دو غیبت است که یکی از آن دو کوتاه است و دیگری طولانی. اما در غیبت کوتاه مدت مکان او را کسی نمی‌داند جز شیعیان خاص و در غیبت بلند مدت مکان او را کسی نمی‌شناسد مگر دوستان نزدیکش.

در همین ارتباط دو نفر از بزرگترین دانشمندان شیعه مطالبی فرموده‌اند که ذیلاً ذکر می‌شود:

(الف) مرحوم سید مرتضی علم الهدی علیه السلام چنین اظهار داشته‌اند: «ما نسبت به این مطلب قطع نداریم که هرگز کسی خدمت امام نرسد و احدی نتواند او را ملاقات کند. این مسأله‌ای غیر قطعی است و ما هیچ راهی بر مسلم بودن این قضیه نداریم^(۲)».

(ب) شیخ الطائفة طوسی چنین بیان نموده است: «ما این مطلب را که بسیاری از دوستان امام و معتقدان به امامت آن حضرت شرف‌یاب حضورش شده باشند را جایز می‌دانیم».

بر این اساس مانعی وجود نخواهد داشت که در زمان غیبت کبری نیز تعدادی از شیعیان لایق و شایسته و یا درمانده و مضطر، به محضر آن عزیز شرف‌یاب شوند و از عنایات خاصه‌اش بهره‌مند گردند.

۱- کتاب شریف اصول کافی جلد ۲ کتاب الحجة باب فی الغیبة صفحه ۱۴۰ و

۱۴۱ حدیث ۱۹.

۲- بحار الانوار جلد ۵۳ ص ۳۲۳.

صاحب الامر علیه السلام ارتباط پیدا کند، به یقین منتفی است و گوینده این کلام هر که باشد، براساس صریح توقیع مبارک دروغگو است. لذا باید در برابر تمام مدعیان این ادعای باطل و پوچ ایستاد و کذب بودن چنین مدعایی را قطعی و یقینی دانست، و به همه شیعیان نیز هشدار داد تا در چنین دامهایی که به القاءات شیطان و براساس فریفتن مردم سوء استفاده از سادگی عوام الناس و باز کردن دکائی پر زرق و برق، بر سر راه شیعیان گسترده شده، نیفتند و با این گونه مدعیان به گونه علمی و منطقی بستیزند و دستشان را رو نمایند. و از متون شومشان پرده برداری کنند و رضایت امام عصر علیه السلام را به این ترتیب تحصیل نمایند.

اما تکذیب ارتباط با امام عصر علیه السلام به این معنی نیست که گاه از سوی امام علیه السلام گوشه چشمی نشان داده نمی شود و جان شیفته شیعه دل داده ای از پرتو انوار عنایات خاصه آن بزرگوار نورانی نمی گردد. به تعبیر دیگر در تشرف به محضر مقدس امام، راه از سوی شیعه بسته است. اما از سوی آن بزرگوار چنین نیست و مواردی را بزرگان ما در کتابهای خویش نگاشته اند و مشاهدات راستین برخی از متشرفان محضر امام علیه السلام صحت این مطلب را به وضوح و روشنایی هر چه تمامتر نشان می دهد.

حدیثی است از امام صادق علیه السلام که مؤید تشرف شیعیان در زمان غیبت کبری با لطف و بزرگواری آن امام عالی شان به محضر مقدسش می باشد.

آن بزرگوار برای سلامت محبوبش صدقه دهد و این امر برای وی از چنان اهمیتی برخوردار باشد که حتی اگر صدقه دادن برای خود و فرزندان را فراموش می‌کند، از صدقه دادن برای سلامت امام غفلت نرزد و آن را به دست فراموشی نسپارد. و این صدقه لازم نیست که مبلغ گزافی باشد بلکه مستمراً در هر صبح و شام به میزان وسعش برای این امر مهم مبلغی بپردازد. و آن‌گونه که در روایات صحیح آمده است، امام عین الله الناظره است و تمام اعمال ما را می‌بینند. همان‌گونه که پیشتر آوردیم، عرض ادب‌ها و ارادت‌ها گو آنکه انجام وظیفه تلقی می‌شود اما در عین حال توجهات خاصه امام عصر علیه السلام را نیز به سوی ما جلب می‌کند و مایه نزول سعادات و برکات در زندگی ما خواهد گردید. لذا این اقدام و ترجیح آن حضرت بر خود و فرزندان، موجبات توجه آن حضرت را فراهم می‌کند.

(۲) زیارت مستحبه بیت الله الحرام به نیابت از آن بزرگوار، البته مالی که در این مسیر خرج خواهد شد، در برابر بزرگواری‌ها و عنایات و برکاتی که از آن وجود مقدس نسبت به چنین شیعه‌ای بروز و ظهور خواهد نمود، و بالاخص عنایاتی که در همین سفر از آن امام بزرگوار نسبت به زائری که به نیابت حضرتش اقدام به این سفر نموده است، مشاهده خواهد شد؛ بسیار بی‌مقدار و بی‌ارزش خواهد بود.

(۳) شرکت فعال در جشن‌های تولد آن بزرگوار؛ سؤمین وظیفه از وظائف مالی، شرکت مالی در انعقاد جشن‌های ولادت حضرت ولی عصر علیه السلام در نیمه شعبان است، که علاوه بر انجام وظیفه، تعظیم

وظائف مالی

انجام وظائف مالی شاید دشوارترین نوع انجام وظائف باشد! چرا که معمولاً دل کندن از مال کار آسان و ساده‌ای نیست و برای برخی از آدمیان دل کندن از مال شاید سخت‌تر از دل بریدن از جان باشد.

به هر حال یکی از وظایف شیعه آن است که برای امام زمانش پول خرج کند و این عمل به صورت‌های گوناگون می‌تواند انجام پذیرد:

۱) صدقه دادن برای سلامت آن بزرگوار: در روایت آمده است:

الصَّدَقَةُ وَالدُّعَاءُ يَرُدُّانِ الْبَلَاءَ

صدقه و دعا بلا را بر می‌گردانند.

در توضیح مطلب باید گفت با آنکه امام خلیفه‌الله است، اما در عین حال بشر است، همان‌گونه که پیامبر نیز بشر بودند بنابراین حضرت به اعتبار این جنبه و وجهه وجودی، در معرض ابتلائات و بیماریها و لطومات می‌باشند. لذا شیعه باید که به نشانه ارادت قلبی به

لطفاً در مورد پرسشهای زیر اندکی تفکر نمایید:

- امام معصوم در جهان هستی چه نقشی دارد؟ در چند خط توضیح دهید.
- وظیفه ما در موضوع شناخت امام زمانمان را شرح دهید.
- رابطه شب قدر با امام عصر (عج) را توضیح دهید.
- وظایف شیعه در مورد امام عصر (عج) را بیان کنید.
- سه مورد از وظایف اعضاء و جوارح که خود مقید به انجام آن هستید را شرح دهید.

شعائر الهی محسوب می‌گردد و از مصادیق بارز و مَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ است.

آنچه به تجربه ثابت گردیده است، آنست که چندین برابر مالی را که انسان در این ارتباط خرج می‌کند از جیب فتوت و کرم امام عصر علیه السلام برگشت داده خواهد شد.

(۴) خریدن کتب مربوط به امام عصر علیه السلام و هدیه دادن آنها به دیگران. این کار ضمن انجام یک وظیفه مالی ترویج امام محسوب می‌شود و قلب مبارک آن ولی الله را راضی و خوشنود خواهد ساخت.

(۵) دادن میهمانی و اطعام دوستان امام عصر علیه السلام. به مناسبت‌های گوناگون این کار باید انجام پذیرد. به خصوص در ایام و لیالی متمیزه و مبارکه ولادت با سعادت آن مظهر خدا یعنی حضرت بقیة الله ارواحنا لهداه.

به امید آنکه انجام وظائف سه گانه قلبی، اعضاء و جوارحی و سرانجام مالی، ما را در ردیف شیعیان مخلص آن امام بزرگوار قرار دهد و نعمت ولایتش را بر ما مبارک و میمون بفرماید.

والسلام